

بسترها و روش‌های دشمنان برای ایجاد جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه قرآن

محمدرضا آسیابانی^۱، کارشناسی ارشد علوم حدیث دانشگاه قم
نرگس بهرامی، کارشناسی ارشد علوم قرآن و مستشرقین دانشگاه علوم و فنون تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال چهاردهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۸۹ - ۱۱۱
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

چکیده

این مقاله به واکاوی مفهوم «جنگ نرم» به‌عنوان تهاجم چندلایه فرهنگی، روانی و رسانه‌ای با هدف تغییر باورها، ارزش‌ها و هویت جوامع اسلامی از منظر قرآن کریم می‌پردازد. هدف اصلی، تبیین بسترهای داخلی زمینه‌ساز این جنگ، شامل مشتبّه‌شدن حق و باطل، دنیاگرایی، غفلت معنوی و فاصله گرفتن از رهبری دینی، شناسایی روش‌های دشمن همچون تحریف مفاهیم دینی، شایعه‌پراکنی، دین‌زدایی، سکولاریزاسیون و اشاعه فحشا، و ارائه راهکارهای جامع قرآنی برای مقابله است. بر پایه آیاتی چون «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»، جنگ نرم به‌سبب تأثیر عمیق بر ایمان، انسجام و نظام ارزشی جامعه، خطرتر از جنگ سخت معرفی شده و شناخت آن، ضرورتی راهبردی برای صیانت از هویت اسلامی به‌شمار می‌آید. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استناد به آیات قرآن و تفاسیر معتبر، نشان می‌دهد که قرآن کریم ضمن تحلیل دقیق نقاط آسیب‌پذیر درونی امت، با ارائه راهبردهای پیشگیرانه (تقویت ایمان، وحدت و مرزبندی فرهنگی)، مقاومتی (صبر و تقوا در برابر فشارهای روانی) و تهاجمی (تولید محتوای اصیل، تحقیق در اخبار و آمادگی علمی، فرهنگی و رسانه‌ای)، نقشه راهی برای پیروزی در «جنگ روایت‌ها» ترسیم می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که تنها با هوشیاری، هم‌افزایی و تبعیت از رهبری دینی می‌توان تهدیدهای پنهان و پیچیده جنگ نرم را به فرصتی برای تحکیم ایمان، وحدت و پیشرفت تمدنی بدل ساخت.

کلمات کلیدی: تزویر، استحاله فرهنگی، جنگ نرم، دشمن شناسی، قرآن.



مقدمه و بیان مسأله

تاریخ تمدن بشری همواره با پدیده‌ای به نام جنگ همراه بوده است. وقتی سخن از جنگ به میان می‌آید، ذهن اغلب انسان‌ها به جنگ سخت یا همان جنگ نظامی معطوف می‌شود؛ اما جنگ منحصر به جنگ نظامی نیست، بلکه شاخه دیگری نیز وجود دارد که چه‌بسا از جنگ سخت پیچیده‌تر، خطرناک‌تر و درعین حال کم‌هزینه‌تر باشد و آن «جنگ نرم» است. در جنگ نرم، به جای ابزارهای سخت و شناخته‌شده‌ای چون توپ و تانک، از ابزارهای فرهنگی مؤثر بر افکار، اندیشه، عواطف و احساسات انسانی بهره گرفته می‌شود. در طول تاریخ، در برابر همه انبیای الهی و صالحان، این نوع جنگ وجود داشته است.

در زمان بسیاری از پیامبران، تنها جنگ نرم جریان داشته و هرگز از جنگ‌های نظامی برای شکست دادن آنان استفاده نشده است. برای مثال، حضرت نوح (علیه السلام) در طول ۹۵۰ سال پیامبری، هرگز وارد درگیری‌های نظامی نشد و مخالفان او همواره در نبرد نرم با ایشان مقابله می‌کردند؛ چنان‌که برای تأثیرگذاری بر افکار مردم و پراکندن یارانش به تهمت‌زدن، تمسخر و تحقیر متوسل می‌شدند تا آن حضرت و مؤمنان را به زانو درآورند. بیش از همه پیامبران، وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) و یاران ایشان مورد حمله‌های روانی و تبلیغاتی دشمن قرار گرفتند که حجم آنها نسبت به جنگ‌های نظامی بسیار بیشتر بود. انواع تهمت‌ها برای تضعیف جایگاه رهبری پیامبر (ص)، تفرقه‌افکنی برای سست کردن روحیه مسلمانان و موارد مشابه، نمونه‌هایی از این رفتارهاست.

این روند در زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز ادامه داشت و در دوران غیبت امام عصر (عج) نیز جریان دارد. بسته به شرایط، مبارزه علیه حق در کنار جنگ‌های نظامی وجود داشته است؛ اما در روزگار ما این رویارویی به اوج رسیده و جبهه کفر با همه امکانات در برابر حق صف‌آرایی کرده است. از این رو، استکبار جهانی می‌کوشد سرزمین‌ها را بدون تلفات و با کمترین هزینه‌های جانی و تجهیزاتی تحت سلطه خود درآورد. مسلمانان بخشی از جامعه جهانی هستند که تحت شدیدترین عملیات روانی دشمنان قرار دارند. در این میان، ملت مسلمان ایران به دلیل برپایی بزرگ‌ترین انقلاب قرن، یعنی انقلاب اسلامی، که منافع قدرتمندان را به خطر انداخته است، از آغاز انقلاب تاکنون همواره آماج حملات سنگین جنگ نرم بوده‌اند.

پیشینه تحقیق

در حوزه «جنگ نرم»، آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله به رشته تحریر در آمده است. اسماعیلی (۱۳۹۸) در کتاب جنگ نرم در همین نزدیکی با رویکردی امنیتی-اجتماعی، به تحلیل ابعاد مختلف جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته و موضوعاتی همچون ابزارها و روش‌های به کار رفته از سوی دشمن، اهداف استکبار جهانی و راهکارهای مقابله را بررسی کرده است. نائینی (۱۳۹۵) در کتاب اصول و مبانی جنگ نرم با رویکردی علمی-تحلیلی و نظامی، ضمن تبیین مفهوم و ابعاد نظری جنگ نرم، به معرفی ابزارها و شیوه‌های مقابله با آن پرداخته است. مرادی (۱۳۹۰) نیز در کتاب قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل با تمرکز بر پیوند نظریه‌های علمی و تجربیات عملی، این پدیده را به عنوان ابزاری راهبردی در روابط بین‌الملل و امنیت ملی تحلیل کرده است.

در بعد پژوهشی، امیرحسین عباسی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله بررسی روش‌های عام جنگ نرم در آموزه‌های قرآنی ابتدا به کلیات جنگ نرم پرداخته و سپس روش‌های دشمنان را از منظر قرآن بررسی کرده‌اند. محمد نجات‌پور و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن، با تبیین مفاهیم، ویژگی‌ها و پیوند جنگ نرم با امنیت فرهنگی و اقتصادی، مجموعه‌ای از روش‌ها و راهکارهای مقابله را ارائه داده‌اند. همچنین صمد عبداللهی ماجد و فاطمه وجدی (۱۳۹۲) در مقاله بررسی جنگ نرم در آیات قرآن به مفهوم‌شناسی، شناسایی عاملان، شیوه‌ها و ابزارهای جنگ نرم و نیز روش‌های مقابله از منظر آیات پرداخته‌اند.

محمدباقر بابائی طلاتپه (۱۳۸۹) نیز در پژوهش جنگ نرم و روش‌های مقابله با آن از دیدگاه قرآن به معنا و مفهوم جنگ نرم و راهکارهای مقابله با جنگ فرهنگی از منظر قرآن، همراه با تحلیل اهداف این نوع جنگ پرداخته است. اغلب این آثار، به‌طور کلی به موضوع جنگ نرم پرداخته‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر در این است که ضمن بیان روش‌ها و بسترهای مورد استفاده دشمنان، راهکارهای مقابله با جنگ نرم را به‌طور ویژه و مستقیم بر اساس آموزه‌های قرآنی استخراج و تبیین کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی جنگ نرم

الْحَرْبُ به معنای جنگ، واژه‌ای شناخته شده است. این واژه در لغت به معنای تاراج، غارت و ربودن غنائم در جنگ به کار می‌رود؛ از این رو، هر گونه غارت و ربودنی «حَرْب» نامیده شده است. واژه «رَجُلٌ مُّحَرَّبٌ» به معنای مرد بسیار جنگ‌جوست؛ گویی خود شیوه یا وسیله جنگ است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۶۴). در منابع لغوی، جنگ در مقابل صلح قرار دارد: «الْحَرْبُ نَقِيضُ السَّلَامِ» (ابن منظور، ۱۱۱۱ق، ج ۱، ص ۳۰۲؛ زبیدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۰۹).

با این حال، در اصطلاح، تعریف یکسانی از جنگ ارائه نشده است. اساساً در حوزه علوم انسانی، بسیاری از مفاهیم فاقد تعریف واحدند و هر اندیشمند یا مکتب فکری، جنگ را به گونه‌ای تعریف می‌کند که ممکن است با تعاریف دیگر ناسازگار باشد. این تعدد در تعریف، موجب تنوع در طبقه‌بندی و گونه‌شناسی جنگ نیز شده است. به باور آلن بیرو، واژه جنگ از ریشه آلمانی *وِرا*

گرفته شده و به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه میان ملت‌ها (جنگ خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی) به کار می‌رود. بنابراین، جنگ ستیزی خشن و سازمان‌یافته است که میان دو یا چند اجتماع مستقل روی می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۴۱)

جنگ انواع گوناگونی دارد. در یک تقسیم‌بندی، جنگ سخت رویارویی مستقیم و فیزیکی میان دو یا چند نیروی نظامی سازمان‌یافته است که با به کارگیری سلاح‌های متعارف (زمینی، هوایی، دریایی) و غیرمتعارف (شیمیایی، هسته‌ای) در پی انهدام توان رزمی دشمن، اشغال قلمرو و تحمیل اراده خود است (رشید، ۱۳۹۵، ص ۲۸). در مقابل، جنگ نرم قرار دارد که پروژه‌های چندبعدی به شمار می‌آید. این نوع جنگ، در بُعد سیاسی با اعمال تحریم‌های روانی و دامن‌زدن به اختلاف‌های داخلی، اقتدار دولت را هدف قرار می‌دهد و در بُعد فرهنگی، از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، به تخریب هویت دینی و ملی می‌پردازد (دهشیری، ۱۳۹۵، ص ۸۹)

۱-۱. مبانی نظری جنگ نرم

مفهوم «جنگ نرم» ارتباط مستقیمی با نظریه قدرت نرم دارد؛ مفهومی که نخستین بار توسط جوزف نای، استاد دانشگاه هاروارد و نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل، در دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح شد. به نظر وی، «قدرت نرم یعنی توانایی شکل‌دادن به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع» (نای، ۲۰۰۴: ۵). قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت که بر پایه اجبار نظامی یا تحریم اقتصادی عمل می‌کند، بر سه منبع کلیدی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی مشروع استوار است (همان، ص ۱۱)

بر اساس نظریه نای، جنگ نرم گونه‌ای از کاربرد راهبردی قدرت نرم برای تسلط بر اذهان و تغییر نگرش‌ها در جامعه هدف است. به عبارت دیگر، جنگ نرم مرحله‌ای «تهاجمی» از قدرت نرم است که نه صرفاً برای تأثیرگذاری فرهنگی، بلکه با هدف تضعیف انسجام فکری و هویتی جوامع هدف به کار می‌رود. رویکرد جنگ نرم در سیاست‌های نظامی - امنیتی معاصر، برخاسته از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که در چند دهه اخیر برجستگی بیشتری یافته و مشاهدات تاریخی نیز بر اهمیت آن تأکید دارد (مرادی، ۱۳۹۸). در این چارچوب، جنگ نرم به مثابه فرآیندی تعریف می‌شود که در آن فرهنگ، رسانه و فناوری اطلاعات به عنوان ابزارهای قدرت نرم، در جهت مهندسی افکار عمومی به کار گرفته می‌شوند. در این فرایند، الگوهای سبک زندگی، باورهای دینی و ارزش‌های بومی، با محتوای جایگزین غربی یا سکولار مورد هجمه قرار می‌گیرند و شبکه‌های رسانه‌ای فراملی، فیلم‌ها، سریال‌ها، موسیقی و بازی‌های دیجیتال، در نقش سربازان جنگ نرم عمل می‌کنند (نای، ۲۰۰۴)

جنگ نرم با مفاهیمی همچون جنگ روانی و براندازی نرم نیز ارتباط دارد. قدرت نرم ابزاری برای تغییر رفتار رقبا بدون توسل به زور است که از طریق مدیریت ادراک، نفوذ فرهنگی و بازتعریف هویت‌ها تحقق می‌یابد. تفاوت آن با جنگ نرم این است که اگر قدرت نرم برای دفاع از ارزش‌ها به کار رود، تقویت‌کننده امنیت ملی خواهد بود؛ اما اگر برای تخریب هویت ملت‌ها استفاده شود،

به جنگ نرم تبدیل می‌شود (نائینی، ۱۳۹۵، ص ۷۱). جنگ روانی جزئی از جنگ تمام‌عیار است که با بهره‌گیری از تکنیک‌های روان‌شناختی و با هدف تخریب اراده مقاومت دشمن، مشروعیت‌زدایی از حکومت هدف و جلب حمایت افکار عمومی جهانی انجام می‌شود (مرادی، ۱۳۹۸، ص ۵۶). این نوع جنگ، با استفاده از ابزارهای ارتباطی همچون شایعه، اخبار جعلی و نمادسازی، به دنبال تضعیف روحیه، ایجاد تفرقه و تغییر رفتار جامعه هدف بدون درگیری فیزیکی است (کولایی، ۱۳۹۶، ص ۳۷). براندازی نرم فرآیند تغییر نظام سیاسی بدون کاربرد زور، با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای، روانی و اقتصادی است. این فرایند از طریق نفوذ در باورهای جامعه، مشروعیت‌زدایی از حکومت و سازماندهی نافرمانی مدنی محقق می‌شود و معمولاً در سه مرحله انجام می‌پذیرد: تغییر ارزش‌ها و هویت‌سازی جدید؛ بسیج توده‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی و اجرای انقلاب‌های مخملی یا رنگی (خسروی، ۱۴۰۰، ص ۴۲). براندازی نرم، الگویی طراحی شده از سوی قدرت‌های فراملی برای تغییر رژیم‌های ناهمسو با نظام لیبرال‌دموکراسی است که با شعار دموکراسی‌خواهی، از طریق مهندسی اعتراضات خیابانی مسالمت‌آمیز و با بهره‌گیری از نمادهای رنگی - مانند انقلاب گل رز در گرجستان - اجرا می‌شود (دهشیری، ۱۳۹۸، ص ۵۲).

۱-۲. ویژگی‌های جنگ نرم

در جنگ نرم، ارزش‌ها و باورهای اساسی یک جامعه هدف هجوم و تغییر قرار می‌گیرد. با دگرگونی ارزش‌های بنیادین، قالب‌های فکری و اندیشه‌ای جامعه متحول شده و الگوهای رفتاری جدیدی شکل می‌گیرد. برخلاف جنگ سخت که شتابان و پرتحرک بوده و در یک مقطع زمانی محدود رخ می‌دهد، جنگ نرم فرآیندی تدریجی و مستمر است. در این نوع جنگ، تلاش می‌شود تصویری شکست‌خورده، ناامید و مأیوس از حریف ارائه شده و در مقابل، مهاجم با نمادسازی و تصویرسازی خود را پیروز و موفق نشان دهد. در جنگ نرم، از تمامی علوم، فنون، شیوه‌ها، روش‌های شناخته‌شده و حتی ارزش‌های موجود برای پیشبرد اهداف استفاده می‌شود (رنجبران، ۱۳۸۸، ص ۳۰-۳۱).

۱-۳. اهداف جنگ نرم

هدف اصلی جنگ نرم، تغییر باورها و اعتقادات جامعه هدف است. چنانچه این تغییر محقق شود، بازگشت به حالت اولیه به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود. آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میدان‌مانور این نوع جنگ به شمار می‌آید. گستردگی حوزه تأثیرگذاری و برخورداری از ابعاد گوناگون، از دیگر ویژگی‌های جنگ نرم است. در این جنگ، همانند ویژگی‌های آن، از مجموعه‌ای از علوم، فنون، شیوه‌ها و روش‌های شناخته‌شده و ارزش‌های موجود بهره گرفته می‌شود (رنجبران، ۱۳۸۸، ص ۳۰-۳۱). از مهم‌ترین و نهایی‌ترین اهداف جنگ نرم که مهاجمان علیه یک کشور به کار می‌گیرند، استحاله سیاسی و تغییر ساختار نظام اجتماعی با هدف برپایی حکومتی مطلوب و هماهنگ با طرح‌ها و برنامه‌های خود است (فیروزی، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

۱-۳. ابزارهای جنگ نرم

با پیشرفت فناوری، ابزارهای متعددی برای اجرای جنگ نرم علیه ملت‌ها، به‌ویژه جوامع اسلامی، پدید آمده است. این ابزارها شامل مجموعه‌ای از رسانه‌ها، فناوری‌ها و فعالیت‌های فرهنگی هستند که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییر نگرش‌ها و رفتارها مورد استفاده قرار می‌گیرند. رسانه‌ها در جنگ نرم به‌عنوان ابزار قدرتمند تأثیرگذاری بر افکار و تسخیر قلب‌ها و ذهن‌ها عمل می‌کنند. رسانه‌ها، سلاح تاکتیکی عملیات روانی هستند (صفوی، ۱۳۹۲، ص ۶۷) و با تولید محتوای هدفمند، گفتمان حاکم بر جامعه هدف را تغییر می‌دهند. این تغییر گفتمان، پیش‌نیاز نفوذ فرهنگی و سیاسی است (منصوری، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

ماهواره‌ها نیز از ابزارهای مهم جنگ نرم به‌شمار می‌آیند. دشمن با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، اقدام به پخش و تولید محتوا در زمینه‌های مذهبی و قومی برای ایجاد اختلاف میان مذاهب و قومیت‌ها می‌کند. برای نمونه می‌توان به شبکه «العریبه» وابسته به وهابیت که در پی شبهه‌افکنی در مبانی شیعه است، یا شبکه‌های «فارسی‌وان»، «بی‌بی‌سی» و «سی‌ان‌ان» که در بزرگ‌نمایی شکست کودتای ترکیه در سال ۲۰۱۶ با هدف القای ناتوانی حکومت‌های دینی فعالیت داشتند، اشاره کرد (صفوی، ۱۳۹۲، ص ۶۸-۷۳). از این رو، ماهواره ابزاری برای تهدید امنیت ملی و فرهنگی محسوب می‌شود.

ادبیات و هنر نقشی مهم در تخریب و تحریف فرهنگ، آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه ایفا می‌کنند. این نقش را می‌توان در کتاب‌ها، آثار نمایشی و موسیقی‌های مخرب مشاهده کرد. برای نمونه، رمان سو و شون نوشته سیمین دانشور، از مصادیق جنگ نرم با هدف تحریف تاریخ انقلاب اسلامی دانسته شده است. همچنین برخی ترانه‌های رپ، مانند آثار «هیچکس»، با هدف ترویج مواد مخدر، بی‌بندوباری جنسی و ایجاد گرایش‌های ضدحکومتی، جوانان را به انحراف سوق می‌دهند (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳).

بازی‌های رایانه‌ای نیز از اثرگذارترین ابزارهای جنگ نرم محسوب می‌شوند. جوزف نای از بازی‌های استراتژیکی مانند سیویلیزیشن و پابجی به‌عنوان ابزارهایی برای ترویج دموکراسی غربی به‌عنوان مدل نهایی حکمرانی جهانی یاد می‌کند (نای، ۲۰۰۴، ص ۱۲۳). فیلم، سریال و انیمیشن از دیگر ابزارها و شگردهای دشمن در راستای استحاله فرهنگی جوامع هستند. رهبر معظم انقلاب، هالیوود را «کارخانه اسلحه‌سازی جنگ نرم» معرفی کرده‌اند (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸). نمونه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در فیلم آرگو (۲۰۱۲) و انیمیشن علاءالدین (۱۹۹۲) مشاهده کرد که به ترتیب با هدف معرفی ایرانیان به‌عنوان تروریست و آمریکاییان به‌عنوان قهرمان، و همچنین تحریف تمدن اسلامی و ارائه شخصیت‌های عربی جعلی با رفتارهای وحشیانه (مانند شخصیت جاسمین بی‌حجاب) تولید شده‌اند (قویدل، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲).

۲. جنگ نرم از منظر قرآن

در قرآن کریم به‌صورت مستقیم به اصطلاح «جنگ نرم» اشاره نشده است، اما مفاهیم بنیادین و معادل آن در آیات متعددی با عناوینی چون فتنه، مکر، استهزاء و تزئین باطل بیان شده است. خداوند درباره

مکر می‌فرماید: «وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال: ۳۰)؛ [دشمنان] نیرنگ می‌کنند و خداوند [نیز] نیرنگ می‌کند و خدا بهترین نیرنگ‌کنندگان است. مکر در اینجا به معنای نفوذ در باورهای جامعه با ابزارهای پنهان است. خداوند هشدار می‌دهد که دشمنان برای تخریب ایمان، برنامه‌ریزی پنهانی انجام می‌دهند؛ مانند نفوذ در نخبگان یا ترویج شبهات دینی (طبرسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۸۲۱). همچنین، درباره فتنه چنین می‌فرماید: «وَاحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ...» (مائده: ۴۹)؛ و از آنان بپرهیز که مبادا تو را دچار فتنه کنند. فتنه در این آیه به معنای انحراف افکار عمومی از حق به باطل، از طریق شایعه‌پراکنی، تهدید روانی و تحریف ارزش‌هاست. این همان جنگ نرم امروزی است که دشمنان برای گمراه‌سازی پیامبر (ص) به کار می‌بردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۶۶). استهزاء نیز از مفاهیم مرتبط با جنگ نرم است. قرآن کریم این شیوه را به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی منافقان با هدف تضعیف روحیه ایمان مسلمانان معرفی می‌کند: «إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ» (توبه: ۶۵)؛ منافقان با پوشش «شوخی» آیات قرآن را مسخره می‌کردند و این رفتار نوعی نفوذ روانی برای تضعیف ایمان جامعه بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۴۰).

۱-۲. اهمیت جنگ نرم در قرآن

تقابل «فتنه» و «قتل» و شدیدتر و بزرگ‌تر دانستن فتنه نسبت به قتل در آیات قرآن کریم، بیانگر آن است که خطر فتنه، که از شگردهای اصلی جنگ نرم به شمار می‌رود، بیش از جنگ سخت است. قرآن می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱) و «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۲۱۷)؛ فتنه (و بت‌پرستی) از کشتار هم بدتر است و ایجاد فتنه، که مردم را به کفر تشویق و از ایمان بازمی‌دارد، حتی از قتل بالاتر است. این آیات نشان می‌دهد که تهاجم فرهنگی و جنگ نرم نسبت به جنگ‌های سخت خطرناک‌تر است؛ زیرا قتل مربوط به جنگ‌های سخت و عملیات‌های نظامی است، اما فتنه در پی تغییر باورها و ارزش‌های جامعه است و در فتنه‌های دینی و اعتقادی، ارزش‌ها و باورهای مردم به‌طور مستقیم مورد هجوم قرار می‌گیرند (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۳۱).

۲-۲. بستر و شرایط جنگ نرم در قرآن

در جامعه اسلامی عواملی وجود دارد یا به مرور زمان ایجاد می‌شود که دشمن می‌تواند از آن‌ها علیه حکومت اسلامی بهره‌برداری کند. این عوامل، زمینه‌ساز بروز جنگ نرم در جامعه می‌شوند و قرآن کریم به برخی از آن‌ها اشاره کرده است؛

۱-۲-۲. مشتبه شدن حق و باطل

خداوند در قرآن از دو جبهه حق و باطل نام می‌برد که همواره در تقابل با یکدیگر هستند. راغب اصفهانی در مفردات، حق را چنین تعریف می‌کند: «باور داشتن به چیزی که با خود آن باور یا واقعیت آن چیز، و در ذات آن، مطابق با حق باشد؛ مانند اعتقاد به بعث، پاداش، مکافات، بهشت و

دوزخ» (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۹) و باطل را چنین معنا می‌کند: «نقیض و مقابل حق، چیزی که در بحث و تحقیق، حقیقت و ثباتی ندارد» (همان، ج ۱، ص ۲۸۰). خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲)؛ و حق را با باطل درنمایید و حقیقت را با آنکه می‌دانید کتمان نکنید. واژه «لبس» به معنای پوشاندن و «لبس» به معنای ایجاد شک و تردید است. امتیاز انسان در شناخت اوست و کسانی که با ایجاد شک، وسوسه و فریب، حق را می‌پوشانند و مانع شناخت صحیح می‌شوند، بزرگ‌ترین ظلم را مرتکب شده‌اند. بنابراین نباید حق را با باطل مخلوط کرد یا باطل را در لباس حق عرضه نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۰۴).

در نظامی که بر مبنای حق ساخته شده است، هیچگاه جایی برای باطل وجود ندارد، زیرا حقیقت هرگز با باطل آمیخته نمی‌شود و با آن سازش نمی‌کند: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (اسراء: ۸۱). در واقع حق، حقیقتی ثابت و پایدار است که ریشه در واقع و فطرت دارد، در حالی که باطل، امری ناپایدار و بی‌اساس است که دوام و بقایی ندارد و تنها با آمیختن به حق می‌تواند جلوه‌ای فریبنده بیابد. مشکل اساسی در جایی است که حق و باطل به هم آمیخته می‌شوند؛ یعنی نه خود باطل جایی دارد و نه حق می‌تواند بدون اختلاط حفظ شود. وقتی چنین اختلاطی رخ می‌دهد، تشخیص صحیح دشوار شده و زمینه شک و انحراف به وجود می‌آید؛ از این رو بزرگ‌ترین خطر برای جامعه دینی، نه رویارویی آشکار با باطل، بلکه اختلاط حق و باطل و پوشاندن حق با ظاهری حق‌گونه است؛ زیرا این امر، قدرت تشخیص را از مردم سلب کرده و آنان را به پذیرش انحراف وامی‌دارد. مشتبه کردن حق و باطل از راه تحریف مفاهیم، تغییر معیارها، و بهره‌برداری ابزاری از ارزش‌ها، یکی از مهم‌ترین شگردهای جریان‌های باطل برای نفوذ در افکار عمومی است. مشتبه کردن حق و باطل از راه تحریف مفاهیم، تغییر معیارها، و بهره‌برداری ابزاری از ارزش‌ها، یکی از مهم‌ترین شگردهای جریان‌های باطل برای نفوذ در افکار عمومی است (جوادی آملی، ۱۳۹۵).

آیات و روایات فراوانی در مذمت دانشمندانی است که به علم خود عمل نمی‌کنند؛ در واقع غرض آنها از تحصیل علم تنعم دنیوی و حظوظ نفسانی و طلب جاه و مال و ریاست است و نه رضای خداوند و تحصیل معرفت او. در کافی از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: «علماء دو قسم‌اند: عالمی که به علم خود عمل می‌کند و او نجات یافته است، و عالمی که به علم خود عمل نمی‌کند، هلاک شده است و خود را به هلاکت ابدی رسانده است. اهل جهنم از بوی ناخوش عالم تارک عمل در عذاب‌اند و متأسف‌ترین اهل جهنم، مردی است که مردم را موعظه می‌کند و آنان را به حق فرا می‌خواند و آن‌ها می‌پذیرند و اهل بهشت می‌شوند، اما خود به سبب پیروی از هوای نفس و آرزوهای طولانی، از اهل جهنم می‌گردد؛ زیرا پیروی از نفس، راه حق را می‌بندد و آرزوهای دور و دراز، انسان را از یاد آخرت غافل می‌سازد» (نصرت بیگم، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۹).

۲-۲-۲. دنیاطلبی

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز جنگ نرم در جامعه، دنیاطلبی است. در قرآن کریم آیات

متعددی درباره دنیاطلبی و پیامدهای آن وجود دارد و خداوند در هر یک از این آیات، انسان را تنبیه و آگاه کرده است. در یکی از آیات، خداوند مبنای دنیا را سرگرمی، لهو و لعب بیان کرده و می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ» (حدید: ۲۰)؛ بدانید که زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شماست. دنیا به‌عنوان صحنه‌ای از لهو و لعب معرفی شده که شیطان با تحریک غرایز مادی، انسان را از مسیر آخرت‌طلبی منحرف می‌کند و این انحراف، بستری برای نفوذ دشمن در جنگ نرم فراهم می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۸۸).

خداوند در آیه‌ای دیگر علت دنیاطلبی را فراموشی خود بیان کرده و می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر: ۱۹)؛ و مانند آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را از یاد خودشان برد. فراموشی خدا، که ناشی از دنیاطلبی است، موجب خودفراموشی می‌شود. در جنگ نرم، دشمن با ترویج مصرف‌گرایی و لذت‌طلبی، هویت اسلامی را هدف قرار می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۴۱). مصداق عینی این آیه شریفه، القای سبک زندگی غربی از طریق رسانه‌ها (مانند سریال‌های نتفلیکس) با هدف تغییر ارزش‌هاست. همچنین دشمن به دنبال تغییر فرهنگ و تمدن یک جامعه است که به وسیله زینت‌دادن شهوات به نتیجه عمل خود، یعنی استحاله فرهنگی، می‌رسد: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ» (آل عمران: ۱۴)؛ شیطان به وسیله علاقه به شهوات، دنیا را برای مردم زینت می‌دهد. پیامبر اسلام (ص) نیز دنیاطلبی را عامل اصلی همه گناهان و خطاها دانسته و می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمَفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَسَبَبُ إِحْبَابِ» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۷۷، ص ۱۸۲)؛ دنیا دوستی، ریشه هر خطا، کلید هر گناه، و سبب بی‌ثمر شدن هر کار نیکی است.

۲-۳-۲. عدم تبعیت از رهبران دینی

یکی از راه‌هایی که دشمن برای نفوذ در جامعه و ایجاد جنگ نرم از آن بهره می‌برد، ایجاد تفرقه به‌منظور جلوگیری از تبعیت از رهبران دینی است. خداوند در قرآن کریم، اطاعت از رهبران دینی را در کنار اطاعت از خود و پیامبر (ص) بیان کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا و صاحبان امر را اطاعت کنید، و هرگاه در چیزی نزاع کردید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید. خداوند در این آیه شریفه، رهبران دینی را عامل وحدت بین مسلمانان معرفی کرده است. علامه طباطبایی «اولی الامر» را جانشینان پیامبر (ص) دانسته و تخلف از ایشان را عامل ایجاد تفرقه و نفوذ دشمن معرفی کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۷۷).

همچنین، خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به وسیله حبل خدا خویشتن را حفظ کنید و متفرق نشوید. «حبل الله» به معنای ولایت اهل بیت (ع) است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۲۸) و تفرقه ناشی از عدم تبعیت، جامعه را در برابر جنگ نرم آسیب‌پذیر می‌کند. دشمن با رواج شبهات، اعتماد به رهبری را تخریب کرده و با ترویج



تفسیرهای شخصی به جای تبعیت از مراجع معتبر، زمینه ایجاد جنگ نرم را در جامعه فراهم می‌سازد؛ همانند ماجرای بنی اسرائیل پس از بازگشت حضرت موسی (ع) از کوه طور

۲-۳. روشهای جنگ نرم

دشمنان اسلام از روشهای متنوع، متعدد و ناروایی برای نابودی مسلمانان بهره می‌برند. لذا قرآن کریم تمام این خدعه‌ها و مکرها و حيله‌ها را برملا می‌سازد.

۲-۳-۱. دین زدایی

دین‌زدایی به معنای به‌حاشیه‌راندن نقش دین در حیات فردی - اجتماعی، ترویج نسبی‌گرایی اخلاقی و تقلیل قرآن به متنی صرفاً تاریخی - ادبی است. دشمن، در پی تغییر آیین و شریعت مسلمانان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَكِنْ كَرِهْتَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰)؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا از آیین (تحریف‌یافته) آنان پیروی کنی. دشمن با هدف تغییر ارزش‌های دینی، از طریق نهادهای آموزشی و رسانه‌ای و با برنامه‌ریزی برای تقلیل و بی‌اعتبار کردن قرآن در میان آحاد ملت‌ها، به جنگ با مسلمانان می‌پردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۰).

همچنین خداوند به شیوه دیگری از دشمنان برای آسیب‌زدن به جامعه اسلامی اشاره کرده و می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه: ۳۲)؛ آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران کراهِت داشته باشند. «فوت کردن» نماد تلاشی ضعیف و مضحک است؛ مانند کسی که می‌خواهد خورشید را با فوت خاموش کند! این اشاره به ابزارهای ظاهراً کوچک اما خطرناک جنگ نرم است: شایعه‌پراکنی، تحریف مفاهیم دینی، تمسخر مقدسات و تولید محتوای انحرافی از مصادیق آن به‌شمار می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۳۲۸). همچنین، «دهان‌ها» نماد ابزارهای کلامی و رسانه‌ای است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۶۸) که از طریق شبکه‌های اجتماعی، فیلم‌های مستهجن، کتاب‌های تحریف‌گرایانه و برخی مراکز دانشگاهی غربی می‌کوشند نور الهی (هدایت قرآن) را در اذهان خاموش کنند.

امروزه نظام اسلامی مصداق «اتمام نورالله» دانسته می‌شود. جنگ نرم دشمن برای تخریب این نظام همان «فوت کردن» است، اما خداوند نور خویش را به‌وسیله انقلاب اسلامی کامل کرد (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۸۱). بنابراین، دین‌زدایی در گفتمان قرآنی صرفاً یک «اشتباه فکری» نیست، بلکه پروژه‌ای راهبردی برای قطع ارتباط امت اسلامی با قرآن به‌عنوان «منشور حیات» - نه صرفاً کتابی عبادی - است.

۲-۳-۲. گمراه کردن

ضلالت و گمراهی در آیات متعددی از قرآن کریم، با شیوه‌هایی همچون تحریف معنایی آیات،

شبهه‌افکنی، تولید محتوای به ظاهر علمی و غفلت‌سازی از سوی دشمنان علیه مسلمانان صورت می‌گیرد. خداوند، تحریف کلام خود از سوی اهل کتاب را دروغ و افترا بی به خویش تلقی کرده و می‌فرماید: «وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۸). علامه طباطبایی تأکید می‌کند که این آیه به تحریف معنوی (نه لفظی) اشاره دارد؛ یعنی با پیچاندن کلام و ارائه تفسیری نادرست، چنان وانمود می‌کنند که گویی این معنا از خود کتاب مقدس است. این دقیقاً منطبق با تکنیک جنگ نرم در «تفسیر به رأی گزینشی»، «تحریف مفاهیم قرآنی» و «شبهه‌افکنی علمی» است. دشمن با تحریف معنای آیات (مانند تأکید بر آیات صلح بدون توجه به آیات جهاد یا تحریف مفاهیم اجتماعی قرآن)، می‌کوشد ذهنیت مسلمانان را منحرف سازد. عبارت «وَهُمْ يَعْلَمُونَ» نشان می‌دهد که این تحریف، عامدانه و آگاهانه است؛ همچون جنگ نرم که مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق برای تخریب باورهای دینی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۴۲۰).

همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم به شیوه دیگری از دشمنان، یعنی ایجاد غفلت برای انحراف از یاد خدا، اشاره کرده و می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان: ۶)؛ و برخی از مردم کسانی هستند که سخنان بیهوده را [به جای حق] می‌خرند تا دیگران را بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و آن [راه حق] را به مسخره گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است. مکارم شیرازی تصریح می‌کند که «خریدن سخنان بیهوده» شامل تأمین مالی شبکه‌های فاسد فرهنگی و سرمایه‌گذاری دشمن در صنایع سرگرمی ضداسلامی است. این آیه به وضوح پروژه غرب‌زدگی فرهنگی را توصیف می‌کند که با اشاعه فرهنگ ابتذال، روحیه جهاد و مسئولیت‌پذیری را در جوامع اسلامی تضعیف می‌نماید. عبارت «بِغَيْرِ عِلْمٍ» هشدار می‌دهد که این گمراه‌سازی، با شبهه‌علمی‌سازی مفاهیم انحرافی (مانند ترویج لیبرالیسم به نام آزادی) همراه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۱۳).

در دنیای امروز، نظام سلطه جهانی با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و فرهنگی می‌کوشد تا حکومت اسلامی را در جهان بی اعتبار جلوه دهد و مسلمانان را به سمت قوانین غیرالهی سوق دهد. خداوند در قرآن، این موضوع را به پیامبر (ص) و مسلمانان هشدار داده و می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء: ۶۸)؛ آیا ندیدی کسانی را که ادعا می‌کنند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، [اما] می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت بروند، با اینکه دستور یافته‌اند به او کافر شوند! و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشانند. مکارم شیرازی «طاغوت» را شامل هر مرجع قدرت ضدالهی، مانند حکومت‌های استبدادی، فرهنگ‌های استعماری و نظام‌های حقوقی غیراسلامی، می‌داند و تأکید می‌کند که شیطان با شبهه‌افکنی در باورهای دینی، مسلمانان را به سمت پذیرش سلطه طاغوت سوق می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۴۲). این همان استراتژی جنگ نرم است که با تضعیف اعتماد به نهادهای دینی، زمینه وابستگی به



دشمن را فراهم می‌کند. طبرسی، مراجعه به طاغوت را نفی ولایت خدا دانسته و اشاره می‌کند که این کار، نوعی شرک عملی است. وی نقشی شیطان را در جنگ روانی چنین توضیح می‌دهد که شیطان، از طریق ایجاد تردید در دل‌ها (يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ)، مسلمانان را به این انحراف می‌کشانند (طبرسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۲). این فرآیند، هم‌ارز جنگ نرم است که با تخریب روانی و شک‌افکنی در مبانی دینی، اتحاد مسلمانان را تهدید می‌کند

۲-۳-۳. اختلاف افکنی

در اوایل حکومت اسلامی، دشمنان با شایعه‌پراکنی هدفمند در پی ایجاد اختلال روانی، تزلزل در ایمان، تضعیف روحیه و در نهایت ایجاد تفرقه و شکاف در جامعه نوپای اسلامی بودند. این عمل، نمونه‌ای بارز از جنگ نرم است که در آن، به جای سلاح، از ابزارهای روانی، اطلاعاتی و تبلیغاتی برای ضربه‌زدن به انسجام و اعتقادات جامعه هدف استفاده می‌شود. خداوند علت اصلی تفرقه و اختلاف‌افکنی را حسد معرفی کرده و می‌فرماید: «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ؛ در دین تفرقه نکردند مگر پس از آنکه به حقانیت دین یقین داشتند، و حسدی که به یکدیگر می‌ورزیدند، آنان را واداشت تا تفرقه کنند. و اگر حکم ازلی خدا بر این قرار نگرفته بود که تا مدتی معین زنده بمانند، کارشان یکسره می‌شد؛ زیرا اینان که با علم به حقانیت، آن را انکار کردند، باعث شدند نسل‌های بعدی درباره آن در شکی عمیق قرار گیرند» (شوری، ۱۴)

علامه طباطبایی با تأکید بر عبارت «بَعْيًا بَيْنَهُمْ» (به سبب ستم و حسد میان خود) توضیح می‌دهد که ریشه اختلاف‌افکنی، «بغی» (تجاوز و حسدورزی) است. اهل کتاب پس از آگاهی از حقانیت پیامبر اسلام (ص)، به جای اطاعت، به دلیل رقابت‌های قومی، منافع دنیوی و حسادت، عمداً به تفرقه‌افکنی دامن زدند. آنان با علم به حقانیت اسلام، برای حفظ موقعیت اجتماعی و ریاست خود، آگاهانه جامعه را قطبی کردند؛ همانند یهودیان مدینه (مانند کعب بن اشرف) و مسیحیان نجران که با وجود اطلاع از نشانه‌های پیامبر در کتب خود، به دلیل تعصب و ترس از دست دادن مرجعیت دینی، به تحریک مشرکان علیه مسلمانان پرداختند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۴۲). این نمونه‌ای روشن از جنگ نرم است که در آن، با ابزارهای روانی، القای شک و تردید و تحریک تعصبات قومی، پایه‌های ایمان تضعیف می‌شود

دشمن از نشر اکاذیب مانند نسبت دادن سحر به پیامبر (ص) و دامن‌زدن به اختلافات قبیله‌ای بین اوس و خزرج، همانند توطئه‌های کعب بن اشرف (شاعر یهودی) که با اشعار تحریک‌آمیز کینه‌های قومی را برمی‌افروخت (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۷۸). به‌عنوان ابزاری برای اختلاف‌افکنی با هدف ایجاد جنگ نرم بهره می‌برد. یکی دیگر از اقدامات منافقان برای اختلاف‌افکنی میان مسلمانان در زمان پیامبر (ص)، ساخت مسجد ضرار در مدینه بود. خداوند پیامبر (ص) را از هدف و نیت شوم آنان آگاه ساخت: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ

قَبْلَ وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ و کسانی که مسجدی ساختند برای زیان زدن به مسلمانان و کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و به عنوان کینگاهی برای کسی که پیش‌تر با خدا و پیامبرش جنگیده بود. سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی نیست دیگری نداشتیم؛ و خدا گواهی می‌دهد که آنان دروغگو هستند» (توبه، ۱۰۷)

امر پیامبر (ص) به تخریب مسجد ضرار، نشان‌دهنده حرمت حفظ مراکز تفرقه‌افکنی حتی با ظاهری مقدس است. مسجد ضرار نماد نهادهای وارداتی استعمار است که با هدف تضعیف هویت اسلامی «کفر» تجزیه امت و اختلاف‌افکنی «تفریق» و خدمت به استعمار جهانی از طریق جاسوسی «إرصادا» تأسیس می‌شوند (قطب، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۷۱۰). نمونه بارز این رویکرد را می‌توان در برخی مؤسسات آموزشی و فرهنگی وابسته به غرب در جهان اسلام مشاهده کرد

۳-۴. شایعه‌پراکنی

خداوند در قرآن کریم در مورد کسانی که شایعه‌پراکنی می‌کنند، می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب، ۶۰)؛ اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که جو مدینه را ملتهب می‌سازند، دست برندارند، تو را علیه آنان برمی‌انگیزیم تا دیگر جز مدتی کوتاه در مجاورت نمانند. واژه «المرجفون» از ریشه «إرجاف» به معنای انتشار اخبار کاذب برای ایجاد رعب است، مانند شایعه شکست نظامی یا قحطی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

یکی از مهم‌ترین شاخه‌های جنگ روانی و نرم توطئه‌گران، جعل شایعات دروغین و نگران‌کننده و انتشار آن‌هاست. هنگامی که دشمن نمی‌تواند به صورت رودررو ضربه‌ای وارد کند، دست به پخش شایعات می‌زند و از این راه، افکار عمومی را نگران و به خود مشغول ساخته و از مسائل مهم و حساس منحرف می‌کند. شایعه‌سازی یکی از سلاح‌های مخرب و ویرانگر برای آسیب زدن به حیثیت نیکان و پاکان و متفرق کردن مردم از اطراف آنان است. گرچه در جوامعی که اختناق و خفقان سیاسی وجود دارد، انتشار شایعات نوعی مبارزه محسوب می‌شود، اما عواملی همچون انتقام‌جویی، تصفیه حساب‌های خصوصی، تخریب اعتماد عمومی، لکه‌دار ساختن شخصیت افراد بزرگ و منحرف کردن افکار از مسائل اساسی نیز از انگیزه‌های پخش شایعات به‌شمار می‌روند (مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۴۰۸)

آیه ۱۱ سوره نور نشان می‌دهد که شایعه‌پراکنی به‌صورت سازمان‌یافته و گروهی انجام می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ»؛ کسانی که آن تهمت بزرگ را مطرح کردند، گروهی از شما بودند. واژه «عُصْبَةٌ» نشان‌دهنده تشکیلات سازمان‌یافته شایعه‌پراکنان است و «الافک» به معنای دروغ بزرگ با اهداف سیاسی-اجتماعی است. با توجه به داستان «افک» که شأن نزول آیه است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۸۹)، روشن می‌شود که دشمن در پی تخریب قداست پیامبر (ص) است. ابتدا با ساخت روایت جعلی برای متهم کردن خانواده پیامبر (ص) آغاز می‌کند و سپس، شایعه را با بهره‌گیری از



نفوذی‌های خود - مطابق واژه «مِنْكُمْ» - پخش می‌کند تا با شایعه‌پراکنی، به هدف نهایی خود یعنی ایجاد جنگ نرم برسد

۲-۳-۵. فریب افکار عمومی

امروزه دشمن با تغییر ماهیت حق و باطل، جابه‌جایی جایگاه شهید و قاتل، و استثمار افکار عمومی با هدف ایجاد جنگ نرم، فعالیت خود را چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی ادامه می‌دهد. این روش در زمان پیامبر (ص) نیز وجود داشت؛ به گونه‌ای که مشرکان با ایجاد سر و صدا هنگام خواندن قرآن، مانع رسیدن کلام حق به عموم مردم می‌شدند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (فصلت: ۲۶)؛ و آنان که کفر ورزیدند، به یکدیگر سفارش می‌کردند که هنگام شنیدن صدای قرآن، به آن گوش ندهید و جنجال و هیاهو برپا کنید تا صدای شما بر صدای قرآن غلبه کند و در نتیجه، کسی آن را نشنود

علامه طباطبایی تأکید می‌کند که این آیه نشان‌دهنده استراتژی سازمان‌یافته مشرکان برای فریب توده‌ها است. آنان می‌دانستند که قرآن با منطق قوی خود، افکار را متحول می‌کند؛ از این رو با دو اقدام مانع اثرگذاری آن می‌شدند: (۱) تحریم شنیداری: منع مردم از گوش دادن به آیات، تا حقایق به گوششان نرسد (نوعی سانسور رسانه‌ای)؛ (۲) تخریب فعال: ایجاد سر و صدا، تمسخر و جنجال در مجالس برای غرق کردن صوت قرآن در نوفه‌های باطل (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۴۸). این روش، امروزه در جنگ نرم مدرن نیز مشاهده می‌شود؛ شبکه‌های معاند با پخش برنامه‌های مخمل (مانند شوهای طنز ضد دینی) همزمان با مناسبت‌های مذهبی، می‌کوشند تأثیر پیام‌های اصیل اسلامی را کاهش دهند یا با انحصار اطلاعات و انتشار اخبار جعلی در سکوه‌های رسانه‌ای، مانع از رسیدن پیام حق به مخاطب شوند

قرطبی با اشاره به ابعاد روان‌شناختی آیه می‌نویسد: واژه «الْغَوْا» به معنای جنجال است و شامل هر گونه اقدام برای مختل‌سازی فضای فکری جامعه و عموم مردم می‌شود. این اقدامات می‌تواند با سخنان بی‌اساس، خنده‌ها و تمسخرهای برنامه‌ریزی‌شده و نیز پخش شایعات در مجامع عمومی همراه باشد که در نهایت، به فریب افکار آحاد جامعه منجر می‌شود. هدف نهایی این اقدامات همان «لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» است؛ یعنی پیروزی از طریق فریب، نه از راه استدلال (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۳۵۶)

مصادق بارز این روش، رفتار سران قریش در مکه، همچون ابوجهل بود که هنگام تلاوت پیامبر (ص)، با نواختن طبل و فریاد، مانع شنیدن آیات می‌شدند. ابن‌کثیر اضافه می‌کند که این اقدام سران مشرک مکه باعث ایجاد دو قطبی در جامعه می‌شد؛ گروهی فریب‌خورده از حق دور می‌ماندند و گروهی دیگر، با انگیزه‌های مادی، فعالانه در جنگ نرم مشارکت می‌کردند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۵۹)

۲-۳-۶. عمل منافقین در لباس اسلام

عملکرد منافقین در صدر اسلام الگویی کلاسیک از جنگ نرم است که در آن از ابزارهای غیرنظامی

مانند تظاهر، نفاق، تخریب چهره پیامبر (ص)، ایجاد یأس و تردید در جامعه برای تضعیف نظام اسلامی از درون استفاده می‌شد. خداوند تعریف منافق را در آیه ۱۴ سوره بقره به خوبی بیان کرده است: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ». منافق کسی است که در ظاهر خود را مسلمان و موافق نشان می‌دهد، اما در باطن کافر است و دشمنی با اسلام و مسلمین دارد. این دوگانگی (ظاهر/باطن)، سلاح اصلی او در جنگ نرم است. علامه طباطبایی توضیح می‌دهد که منافقین برای فریب مؤمنان و نفوذ در صفوف آنان، نقاب ایمان بر چهره می‌زنند. این تظاهر ابزاری برای پنهان کردن نیت شوم و فعالیت‌های تخریبی آنان است و هدف آن ایجاد اعتماد کاذب و دستیابی به اطلاعات یا موقعیت‌های تأثیرگذار است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۶-۵۷).

سید قطب ذیل آیه ۱۰۰ سوره آل عمران منافقین را چنین معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ». به نظر او منافقین همانند یک «ویروس» تفرقه‌انگیز در پیکره جامعه اسلامی عمل می‌کنند؛ آنان با سخن‌چینی، بزرگ‌نمایی اختلافات جزئی و تحریک احساسات قبیله‌ای، سعی در ایجاد شکاف بین مؤمنان دارند. این تفرقه، جامعه را برای نفوذ دشمن خارجی و فروپاشی داخلی آماده می‌سازد (قطب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۳۷).

همچنین خداوند در سوره منافقون به ویژگی دیگر منافقین یعنی ایجاد ترس، وحشت و ناامیدی در قلوب مسلمین پرداخته و می‌فرماید: «وَإِذَا رَأَوْهُمْ تَبََّعُوا أَجْسَامَهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّكُمْ خُشْبٌ مُّسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْتُمْ يَوْمَكُونَ» (المنافقون: ۴). زمخشری توضیح می‌دهد که ظاهر فریبنده و سخنان زیبای منافقین ممکن است برخی را بفریبد، اما در باطن مانند چوب‌های خشک بی‌روح هستند. آنان دائماً در ترس و وحشت به سر می‌برند و هر صدایی را علیه خود می‌پندارند (نشانه ضعف باطنی). هدف آنان از پخش اخبار ناامیدکننده و بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، ایجاد یأس در دل مؤمنان و سست کردن عزم آنان است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۴۰). بنابراین، شناخت این الگوهای تاریخی و تطبیق آن‌ها با روش‌های جنگ نرم معاصر (نفوذ در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، پروپاگاندا و...) برای جوامع اسلامی امروز ضروری است تا بتوانند با هوشیاری، وحدت، استقامت و روشنگری در برابر این تهدیدات نامرئی اما ویرانگر مقاومت کنند.

۲-۳-۷. اشاعه فحشاء

مروجان فحشا با عادی‌سازی گناه (از طریق هنر، ادبیات یا رسانه) زمینه فساد را در جامعه فراهم می‌کنند. در برخی موارد، حتی انتقاد از منکرات به عنوان تحجر و تنگ‌نظری تلقی می‌شود. دشمن در جنگ نرم به دنبال از بین بردن حیا و ترویج بی‌ندوباری در میان جوامع اسلامی است. خداوند نتیجه اشاعه فحشاء را عذاب دنیوی و اخروی بیان کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹). واژه «فحشاء» در لغت به معنای (فُحْش، فُحْشَاء و فَاحِشَة) افعال یا گفتاری است که قباح و زشتی آن‌ها بزرگ و آشکار



است؛ چنان که گفته می‌شود: «فَحْشَ فُلَانٌ»؛ یعنی او بخیل و بدکردار شد (اصفهان‌ی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۹). علامه طباطبایی اشاعه فحشاء را ابزاری نظام‌مند برای تخریب پایه‌های اخلاقی جامعه اسلامی می‌داند. این اقدام سه هدف اصلی دارد: ۱) تضعیف غیرت دینی و حیا در جامعه؛ ۲) تخریب نهاد خانواده (با ترویج بی‌بندوباری جنسی)؛ ۳) ایجاد انحراف فکری جوانان از ارزش‌های اصیل (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۹۳).

برای نمونه می‌توان به نمایش روابط نامشروع در سریال‌ها به عنوان «سبک زندگی مدرن» و گسترش شبکه‌های فساد و مواد مخدر در محلات فقیرنشین اشاره کرد. دشمن برای اشاعه فحشاء از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند: ۱) پخش تصاویر محرک (به بهانه تولید هنر)؛ ۲) تضعیف حجاب و عفاف با شعارهای فمینیستی؛ ۳) ترویج موسیقی‌های شهوانی در مجامع عمومی؛ ۴) تشویق به اختلاط نامحرم در محیط‌های کاری و آموزشی که نتیجه آن، خارج شدن غریزه جنسی از حالت کنترل‌شده و تبدیل آن به سلاحی برای اسارت فکری است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۲۰۷). دشمن با اشاعه فحشاء، به عنوان کارآمدترین ابزار جنگ نرم، به دنبال تخریب نظام اخلاقی جامعه، مشغول‌سازی نسل جوان به شهوات، تقیید ارزش‌های دینی به عنوان محدودیت‌های غیرمدرن و در نهایت، سست کردن پایه‌های تمدن اسلامی است. همچنین، تطبیق تاریخی و معاصر این پدیده نشان می‌دهد دشمنان اسلام از جاهلیت تا عصر دیجیتال همواره از این سلاح برای ضربه زدن به جوامع مسلمان استفاده کرده و می‌کنند.

۴-۲. روش‌های مقابله

پس از بررسی ابزارها و شیوه‌های دشمن (جبهه باطل) در جنگ نرم علیه جوامع اسلامی (جبهه حق)، اکنون به بررسی روش‌های مقابله با آن می‌پردازیم.

۴-۲-۱. عدم دوستی با کفار

دشمن برای ضربه زدن و نفوذ در حاکمیت و میان‌آحاد مردم از راه دوستی وارد می‌شود. دوستی با کفار، سکوی پرش دشمن برای تصرف قلعه‌های فکری جامعه است. خداوند تأکید بر عدم دوستی با کفار و برخی از اهل کتاب نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ ای مؤمنان! یهود و نصاری را دوست و سرپرست خود مگیرید؛ آنان دوستان یکدیگرند. هر کس از شما با آنان دوستی کند، از آنان است. بی‌گمان خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند» (مائده، ۵۱). دشمن پس از ابراز دوستی و نفوذ در بدنه حاکمیت، با هدف جایگذاری عناصر خود (غربی) در پست‌های کلیدی، اقدام به شبکه‌سازی فرهنگی و تأسیس مؤسسات آموزشی با هدف ترویج سکولاریسم می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۱۰). همچنین، این کثیر نتیجه دوستی با کفار را تقلید از سبک زندگی آن‌ها بیان می‌کند که در نهایت منجر به خروج از اسلام می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۰).

مصادق بارز آن نیز، دوستی برخی از کشورهای با رژیم جعلی اسرائیل برای سرکوب فلسطینیان است. علامه طباطبایی ذیل عبارت «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» توضیح می‌دهد: یهود و مسیحیان شبکه جهانی واحدی برای نفوذ در جوامع اسلامی تشکیل داده‌اند که دوستی با آن‌ها به معنای عضویت در سیستم استعماری آن‌ها است. همچنین، تولی کفار، سلاح نامرئی استعمار است که امت را از درون می‌پوساند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۶۸).

خداوند همچنین دوستی با کفار و کسانی از اهل کتاب که شریعت مسلمانان را به سخره می‌گیرند ممنوع دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُمْمِنِينَ» (مائده، ۵۷). واژه «هُزُؤًا» در لغت به معنای مزاح و شوخی آرام و پنهانی بیان شده است، همانند «مزح» که به معنای ریشخند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۱۸). سید قطب این آیه را بیانیه‌ای (مانیفست) برای مقابله با تهاجم فرهنگی دانسته و بیان می‌کند که دوستی با مسخره‌کنندگان دین برابر با پذیرش برتری فرهنگی دشمن است (قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۹۲۲). همچنین، طباطبایی با تأکید بر عبارت «هُزُؤًا وَلَعِبًا» توضیح می‌دهد که کفار با تحقیر مقدسات اسلامی، جنگ روانی علیه ایمان مؤمنان راه می‌اندازند و با تولید محتوای تمسخرآمیز ضداسلامی (مانند کشیدن کاریکاتور پیامبر (ص) در فرانسه یا ساخت فیلم‌های موهن) و تغییر چهره اسلام به عنوان دین خشونت، در رسانه‌ها به دنبال تخریب هویت دینی مسلمانان هستند. در نتیجه، دوستی با استهزاکنندگان دین، نوعی خودزنی فرهنگی است که پایه‌های اعتقادی نسل جوان را ویران می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۷). بنابراین، تنها راه نجات مسلمانان، تولی و دوستی با اهل ایمان و حفظ انسجام و وحدت میان آنان است.

۲-۴-۲. صبر و تقوا

تاریخ نشان داده است که هرگاه به مسلمانان خیر و برکتی رسیده، دشمنان از آن ناراحت شده‌اند و هرگاه به مشکلی برخوردند، دشمنان خوشحال گردیده‌اند. همچنین، دشمن (انسی و جنی) همیشه در کمین است تا با نیرنگ به آحاد ملت اسلامی آسیب وارد کند. خداوند از صبر و تقوا به عنوان سپری ایمن در برابر کید و نیرنگ‌های دشمنان یاد می‌کند: «إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران، ۱۲۰). علامه طباطبایی ذیل آیه توضیح می‌دهد که دشمنان (مشرکان و اهل کتاب در آن زمان و قابل تعمیم به دشمنان حق در هر زمان) دائماً در کمین مسلمانان هستند و از هر خیری که به آنان می‌رسد، متألم و از هر شری که به آنان می‌رسد، خوشحال می‌شوند. تنها راه نجات از ضرر نیرنگ‌های آنان دو چیز است: «الصبر و التقوى». صبر به معنای خودداری از یأس و عجله در برابر مشکلات و تحریکات دشمن است که در جنگ نرم، حفظ خونسردی و عدم واکنش هیجانی به شایعات را شامل می‌شود. تقوا نیز به معنای پرهیز از گناهان و رفتارهایی است که دشمن در پی ترویج آن است (فساد، تفرقه، بی‌بندوباری، بی‌اعتقادی) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۸۷).



مکارم شیرازی نیز این آیه را نشانه‌ای بارز از دشمنی دشمنان اسلام در عرصه‌های مختلف دانسته و تأکید می‌کند که ترکیب صبر و تقوا، جامعه را به دژی نفوذناپذیر در برابر توطئه‌های دشمن - چه در قالب جنگ سخت و چه جنگ نرم - تبدیل می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۶۵). مصداق بارز این آیه، مقاومت و صبر مردم مظلوم فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی و صبر و پایداری پیامبر (ص) و مسلمانان در اوایل اسلام در برابر تحریم و محاصره شعب ابی طالب است.

در نتیجه، وظیفه اهل ایمان آن است که از باطل و طرفداران آن نفرت داشته باشند؛ چرا که هیچ‌گونه صلح و سازشی میان حق و باطل وجود ندارد. از آن‌جا که باطل گریبان و کفار غالباً در تعداد و تجهیزات برتری دارند، غیرممکن است که در برابر دشمنان عقیدتی خود سکوت اختیار کنند. مگر آن‌که پروردگار از شر آنان محافظت کند. بر همین اساس، تاریخ پیامبران و مصلحان، تاریخ جهاد علیه مشرکان و مفسدان است که نتیجه حتمی آن، سختی و گرفتار شدن در جان و مال است. «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا» یعنی اگر بر جهاد با باطل گریبان و سختی‌های آن صبر کنید و از محرّمات پرهیزید، این عمل نشانه قدرت اراده شماست (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۶۶).

۲-۴-۳. تحقیق در مورد اخبار منافقان

برای مقابله با اخبار جعلی و جنگ روانی که مصداق بارز آن در عصر حاضر، فعالیت‌های گروه‌های منافق (از جمله سازمان منافقین) و جریان‌های جنگ نرم است، قرآن کریم بر «تبیین» (راست آزمایی خبر) و پرهیز از انتشار شایعات تأکید دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: ۶). مفسران تحلیل‌های گوناگونی ذیل این آیه شریفه بیان کرده‌اند؛ علامه طباطبایی با تطبیق آیه بر «اخبار منافقان» توضیح می‌دهد که فسق در آیه شامل هرگونه انحراف عقیدتی یا عملی است. وی مصداق امروزی آن را شایعات جنگ نرم می‌داند که هدفش تفرقه‌افکنی و تخریب اعتماد عمومی است. همانند منافقان در صدر اسلام که اخبار کذب را برای ایجاد تردید در صفوف مسلمین پخش می‌کردند، امروز نیز جریان‌های معاند با انتشار اخبار جعلی (مانند ادعاهای بدون سند علیه نظام اسلامی) همان نقش را ایفا می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۱۱).

ابن کثیر این آیه را «هشدار به پیامدهای پذیرش خبر فاسق» معنا می‌کند و مصداق تاریخی آن را منافقانی مانند عبدالله بن ابی می‌داند که با شایعه‌پراکنی در جنگ اُحُد، روحیه مسلمین را تضعیف کردند. به اعتقاد وی، امروزه هر گروهی که با نشر اکاذیب (مانند شبکه‌های معاند) بخواهد امنیت جامعه را مختل کند، مشمول این آیه است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۴۶). قرطبی نیز با استناد به آیه، بر وجوب بررسی خبر حتی اگر راوی ظاهراً مسلمان باشد تأکید می‌کند و تصریح دارد که «الفسق يشمل البدعة والكذب»؛ یعنی فسق شامل بدعت و دروغ‌گویی نیز می‌شود. وی جریان‌های تکفیری و منافق را که با سوءاستفاده از فضای مجازی به ترویج اخبار دروغ می‌پردازند، مصداق «فاسق نبأ» دانسته و وظیفه حکومت‌های اسلامی را ایجاد نهادهای تبیین برای خنثی‌سازی اخبار آنان

برمی‌شمارد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۳۱۱)

مکارم شیرازی زمینه فتنه را دو چیز می‌داند: تلاش فاسق و زودباوری مؤمن. به اعتقاد او، فاسقان در صدد ترویج اخبار دروغ و شایعه‌پراکنی هستند و یکی از اهداف خبرگزاری‌های فاسق، ایجاد فتنه و برهم زدن امنیت نظام است. از این رو، اقدام عجولانه و بدون بررسی و تحقیق خبر، نوعی جهالت محسوب می‌شود. وی یادآور می‌شود که در طول تاریخ، انبیا با جوامعی روبه‌رو بوده‌اند که به انواع بیماری‌های اجتماعی و اخلاقی مبتلا بوده‌اند و این بیماری‌ها حتی با وجود پیشرفت‌های عصر حاضر همچنان باقی است؛ بیماری‌هایی همچون تقلید کورکورانه از نیاکان، پیروی از عادات و رسوم خرافی، تبعیت از خیالات و شایعات بی‌اساس، داوری و موضع‌گیری بدون علم، ستایش یا انتقاد بی‌پایه و سخن گفتن یا نوشتن بدون آگاهی. درمان شفابخش همه این آفات اجتماعی، همان تحقیق و بررسی است که در این آیه بر آن تأکید شده است. اگر جامعه اهل دقت و تحقیق باشد، همه این آسیب‌ها یکسره درمان می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۶۹-۱۷۰)

۲-۴-۴. استعانت از خدا

استعانت از خدا، اساس مقاومت در جنگ‌های روانی و نرم است. با کمک و یاری خواستن از خدا، پوششی الهی بر روح انسان قرار می‌گیرد تا در طوفان شبهات و تهاجم فکری دشمن، همچون کوه استوار بماند. خداوند در قرآن از زبان طالوت، شیوه استعانت و رمز پیروزی بر جبهه باطل را بیان کرده است: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَكُنْ أَقْدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ پروردگارا! بر ما شکیبایی فرو ریز، گام‌هایمان را استوار دار و ما را بر قوم کافران پیروز گردان. (بقره: ۲۵۰). این کثیر این آیه را اساس مقاومت در میدان‌های نامرئی می‌خوانند و تأکید می‌کنند که نصرت الهی تنها به جنگ سخت محدود نمی‌شود، بلکه در جنگ ادراک‌ها (مانند شایعه‌پراکنی دشمن) نیز جاری است. به گفته وی، هنگامی که منافقان در صدر اسلام اخبار کذب پخش می‌کردند، مؤمنان با این دعا از خدا صبر می‌طلبیدند و امروز نیز گروه‌های تکفیری با تولید محتوای انحرافی، جنگ نرم به راه می‌اندازند که راه مقابله با آن همان «أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۰۹).

مکارم شیرازی نیز تأکید می‌کند که «كُنْ أَقْدَامُنَا» اشاره به «ثبات عقیدتی و عملی» در میدان جنگ نرم دارد؛ دشمن با جنگ روانی می‌کوشد پایگاه‌های فکری جامعه را سست کند. این آیه به ما می‌آموزد که تنها با اتکا به خدا می‌توان در میدان تهاجم فرهنگی (مانند القای سبک زندگی غربی) پایدار ماند. نمونه‌ای از این ایستادگی، مقاومت جوانان ایرانی در فتنه ۱۳۸۸ است که با تکیه بر شعار «یا زهرا(س)» توطئه‌ها را خنثی کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۵). علامه طباطبایی «أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» را درخواست نزول آرامش الهی بر دل‌ها می‌داند که در جنگ‌های روانی ضرورتی حیاتی دارد. به نظر وی، این دعا الگویی برای مقابله با تهاجم فکری دشمن است؛ همان‌گونه که اصحاب طالوت در جنگ سخت آن را خواندند، امروز نیز ملت‌ها در جنگ نرم باید با این دعا خود را از تزلزل نجات دهند. مصداق امروزی آن، مقاومت



در برابر شایعات شبکه‌های معاند است که می‌کوشند یأس و تردید را به جامعه تزریق کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۹۳)

۲-۴-۵. حفظ آمادگی

امروزه با پیشرفت تکنولوژی، علاوه بر آمادگی در عرصه قدرت مادی و موشکی، باید در عرصه‌های فرهنگی، معنوی، رسانه‌ای و علمی در مقابل حملات نرم دشمن آماده بود. خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان دستور می‌دهد که این آمادگی را در تمامی عرصه‌ها جهت بازدارندگی دشمن انجام دهند؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰) در برابر آن‌ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از «نیرو» آماده سازید (و همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید. علامه طباطبایی «قُوَّة» را شامل تمام ابزارهای اقتدار در عرصه‌های گوناگون می‌داند: «مراد از «قوه»، هر آن چیزی است که سلطه امت اسلامی را در برابر تهدیدات دشمن حفظ کند. در عصر حاضر، جنگ نرم خطرناک‌ترین میدان نبرد است؛ بنابراین «اعدوا» یعنی تجهیز به سلاح‌های فرهنگی مانند رسانه، دانشگاه‌های مقاومت و نرم افزارهای بومی. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱۴/۹)

قرائتی نیز، «قُوَّة» را مفهومی بویا و زمان‌مند معرفی می‌کند: نیروی مورد نظر قرآن، متناسب با پیشرفت دشمن است. اگر دیروز «رباط الخیل» اسلحه روز بود، امروز سلاح‌های جنگ نرم مانند؛ طرح هایتک سپاه برای تربیت هکرهای دفاعی است که توطئه‌های سایبری دشمن را خنثی می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳۴۵/۳)

مکارم شیرازی با تأکید بر پیوند آمادگی با بازدارندگی در جنگ‌های نوین، اشاره می‌کند که؛ هدف آیه، ترساندن دشمن «تُرْهِبُونَ» پیش از حمله است. امروز دشمن با شیخون فرهنگی می‌آید؛ لذا «رباط الخیل» یعنی ایجاد پایگاه‌های فکری مانند شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲۲/۷) نمونه عینی آن، راه‌اندازی شورای عالی فضای مجازی در ایران برای خنثی‌سازی پروپاگاندا دشمن. همچنین، ابن کثیر «رِبَاطُ الْخَيْلِ» را نماد آمادگی همیشگی معرفی کرده، بیان می‌کند: «این آیه فرمان به تجهیز دائمی در همه جبهه‌هاست. جنگ سایبری امروز، جایگزین میدان‌های نظامی شده است؛ بنابراین «اعدوا» یعنی ساخت سامانه‌های امنیتی، تربیت متخصصان فناوری و تولید محتوای دینی اصیل. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۷۱/۴)

۳. نتیجه‌گیری

هرچند قرآن کریم اصطلاح «جنگ نرم» را به‌صورت صریح به کار نبرده است، اما مبانی معرفتی و راهبردی آن را با واژگانی چون فتنه، مکر، استهزاء و تزئین باطل تبیین کرده و جایگاه این پدیده را در تهدید هویت دینی و فرهنگی امت اسلامی روشن ساخته است. آیاتی مانند «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» آشکارا نشان می‌دهند که این نبرد، به‌واسطه هدف‌گیری بنیان‌های اعتقادی، انسجام

اجتماعی و ارزش‌های اصیل، خطرناک‌تر از جنگ سخت است. بررسی‌های این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های کلیدی جنگ نرم عبارت‌اند از: غیرمستقیم و غیرفیزیکی بودن، حرکت تدریجی و پنهان، و بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای برای تغییر نظام ارزشی جامعه. تجربه صدر اسلام، از شایعه‌پراکنی منافقان و تحریف آموزه‌های دینی توسط اهل کتاب تا هجمه‌های فرهنگی پنهان، نشان می‌دهد که الگوهای این جنگ، گرچه در شکل و ابزار دگرگون شده‌اند، در جوهره و اهداف، همانند آن دوران باقی مانده‌اند و امروز در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای، رسانه‌های جهانی و محصولات سرگرمی بازتولید می‌شوند.

تحلیل قرآنی ریشه‌های جنگ نرم، سه عامل اصلی را به‌عنوان بستر نفوذ دشمن معرفی می‌کند: نخست، مشتبه‌شدن حق و باطل که از طریق اختلاط حقیقت با تحریف، ذهنیت عمومی را به نسبی‌گرایی و تردید سوق می‌دهد: «وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ». دوم، دنیاگرایی و غفلت معنوی که جامعه را به انفعال فرهنگی و بی‌تفاوتی در برابر تهدیدات فکری می‌کشانند: «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ». سوم، فاصله‌گرفتن از رهبری دینی و تفسیرهای خودسرانه از دین که وحدت امت را تضعیف می‌کند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا». این سه آسیب، همان‌گونه که ماجرای مسجد ضرار نشان داد، حتی می‌توانند در پوشش فعالیت‌های به‌ظاهر دینی نیز زمینه‌ساز نفوذ استکباری شوند.

از منظر قرآن، تاکتیک‌های دشمن در این میدان متنوع و چندلایه‌اند؛ از دین‌زدایی و سکولارسازی تا تحریف گزینشی معارف دینی، از اشاعه فحشا در قالب هنر و رسانه تا شایعه‌پراکنی و عملیات روانی سازمان‌یافته. این روش‌ها امروز در فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، محتوای شبکه‌های اجتماعی و سیاست‌های خبری جریان‌های معاند بازتاب یافته و در چارچوب «جنگ روایت‌ها» عمل می‌کنند. در برابر این تهدیدات، قرآن کریم منظومه‌ای از راهبردهای پیشگیرانه، مقاومتی و تهاجمی ارائه می‌دهد. پیشگیری، با تقویت ایمان، هوشیاری معرفتی و مرزبندی فرهنگی با دشمن: «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ». مقاومت، با صبر و تقوا به‌عنوان سپر در برابر فشارهای فکری و روانی: «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ». و پاسخ فعال، با تولید محتوای اصیل دینی، تحقیق در اخبار و مقابله با شایعات: «فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ»، همراه با آمادگی علمی، فرهنگی و رسانه‌ای که مصداق امروزی «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» است. در کنار این راهکارها، استعانت از خداوند و توکل به او، محور اصلی پایداری معنوی است: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا».

نتیجه کلیدی این پژوهش آن است که جنگ نرم، در منطق قرآن، نبردی تمدنی بر محور هویت و فرهنگ اسلامی است. پیروزی در این میدان مستلزم شناسایی دقیق نقاط آسیب‌پذیر جامعه، بهره‌گیری از تجربه تاریخی صدر اسلام و تجهیز همه‌جانبه امت در عرصه‌های فکری، رسانه‌ای و نهادی است. امت اسلامی امروز، برای غلبه در جنگ روایت‌ها، باید با ایجاد نهادهای علمی و رسانه‌ای قدرتمند، تربیت نسلی بصیر و کنشگر، و هم‌افزایی بین‌المللی میان جوامع مسلمان، میدان را از انفعال به ابتکار تغییر دهد. تنها در این صورت است که می‌توان هجمه‌های پنهان و پیچیده دشمن را به فرصتی برای تحکیم ایمان، وحدت و پیشرفت تمدنی بدل ساخت.



فهرست منابع

قرآن کریم

- آلوسی، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۱۱۱ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام، محمود بن عمر زمخشری، (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن هشام، سلیمان بن احمد طبرانی، (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اربد: دارالکتب الثقافی.
- ابن هشام، سلیمان بن احمد طبرانی، (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.
- ابن هشام، فضل بن حسن طبرسی، (بی تا)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی.
- ابن هشام، فضل بن حسن طبرسی، (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.
- الزبیدی، سید محمد مرتضی، (بی تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مصطفی حجازی، بیروت: دارالفکر.
- انصاری، جوادی آملی، عبدالله، (۱۴۰۳ق)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
- انصاری، راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۷۵ش)، ترجمه مفردات راغب، تهران: انتشارات مرتضوی.
- انصاری، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی ألفاظ القرآن الکریم، تصحیح صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالقلم.
- حسینی، سیده صدیقه، (۱۳۹۲ش)، اهداف فرهنگی جنگ نرم رسانه‌ای (رسانه و الگوها)، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- خسروی، سید محمدرضا، (۱۴۰۰ش)، براندازی نرم، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۹۵ش)، امنیت فرهنگی و جنگ نرم، تهران: دانشگاه دفاع ملی.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۴۰۱ش)، انقلاب‌های رنگی و براندازی نرم در جهان، چاپ چهارم، تهران: وزارت امور خارجه.
- راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۷۵ش)، ترجمه مفردات راغب، تهران: مرتضوی.
- رنجبران، داود، (۱۳۸۸ش)، جنگ نرم، تهران: ساحل اندیشه.
- رضا، عنایت‌الله، (۱۳۸۰ش)، بررسی تاریخی جنگ سرد، تهران: نشر قومس.
- رشید، غلامعلی، (۱۳۹۵ش)، مبانی راهبردی دفاع در جنگ سخت، تهران: دافوس آجا.
- رهبر معظم انقلاب اسلامی، (۱۳۸۹ش)، «بیانات در دیدار با جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم»، ۳ آبان.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دارالکتب العربی.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سناعی، جوزف، (۱۳۸۷ش)، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- صفوی، سید یحیی، (۱۳۹۲ش)، عملیات روانی جنگ نرم، تهران: انتشارات ساقی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب الإسلامية.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.
- قزائنی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- قطب، سید، (۱۴۰۸ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
- قویدل، مرتضی، (۱۳۹۸ش)، انیمیشن‌های دیزنی و جنگ نرم، تهران: سوره مهر.
- کولایی، الهه و همکاران، (۱۳۹۶ش)، جنگ روانی: مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌ها، تهران: دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۹۸ق)، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی، محسن، (۱۳۹۵ش)، جنگ نرم فرهنگی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرادی، سید حسین، (۱۳۹۸ش)، عملیات روانی در جنگ‌های روانی، تهران: فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- منصوری، جواد، (۱۳۹۰ش)، جنگ نرم: کالبدشکافی جنگ نرم در رویارویی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- نائینی، سید حمیدرضا، (۱۳۹۵ش)، اصول و مبانی جنگ نرم، چاپ سوم، تهران: انتشارات ساقی.
- نصرت‌بیگم، امین، (بی‌تا)، تفسیر مخزن العرفان فی علوم القرآن، بی‌جا: بی‌نا.